

## The Strategy Mapping of the Context of the Cycle of Political-Social Justice and Corruption: Insights from the Tenth Government's Experience

Mohammad Hasan Basiripour<sup>1</sup>, Seyed Mostafa Abtahi<sup>2</sup>, Mohammad Tohidfam<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D., Student, Department of Political Science (Iranian Issues Orientation), Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. basiripour38@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). abtahi.mostafa45@gmail.com

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. tohidfam\_m@yahoo.com

### Abstract

This research aims to conduct a conceptual analysis of corruption, social justice, and political justice. It also seeks to categorize, identify indicators, and provide a general overview of corruption during the tenth government in Iran. Additionally, the study aims to evaluate the relationship between corruption and social and political justice within this government. The primary research question is how the relationship between corruption and social-political justice is manifested during the tenth government. This applied research utilizes qualitative data analysis and is characterized as descriptive-analytical. The hypothesis posits that the correlation between corruption and social-political justice in the tenth government is contingent on the absence of corruption alongside the establishment of social-political justice.

Conversely, corruption and the attenuation of social-political justice will result in a lower perception of justice. The research suggests that social-political justice is established as corruption decreases in society. Conversely, with increased corruption, social-political justice and the perception of justice decrease. Given the prevalence of corruption in various Iranian governments, the perception of corruption in the Islamic Republic of Iran is notably high. Future revelations of corruption may adversely impact social justice, reducing social trust, participation, and psychological security.

**Keywords:** Social Justice, Political Justice, Economic Corruption, Mahmoud Ahmadinejad.

---

Received: 2023-02-24 ; Received in revised form: 2023-03-11 ; Accepted: 2023-03-16 ; Published online: 2023-03-19

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.1987041.2005>

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## راهبردنگاری در پرتو چرخه عدالت سیاسی - اجتماعی و فساد بر اساس تجربه دولت دهم

محمدحسن بصیری پور<sup>۱</sup>، سیدمصطفی ابطی<sup>۲</sup>، محمد توحیدفام<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. basiripour38@yahoo.com  
<sup>۲</sup> استادیار، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). abtahi.mostafa45@gmail.com  
<sup>۳</sup> دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. tohidfam\_m@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که ضمن مفهوم‌شناسی فساد، عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی، گونه‌شناسی، نشانگان و مصادیق کلی فساد در دولت دهم، رابطه میان فساد و عدالت اجتماعی و سیاسی در این دولت را مورد ارزیابی قرار دهد. پرسش اصلی پژوهش این است که نسبت میان فساد و عدالت سیاسی و اجتماعی در دولت دهم چگونه برقرار می‌شود؟ این پژوهش براساس هدف کاربردی بوده و تحلیل داده‌های آن کیفی است. همچنین به‌لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که نسبت میان فساد و عدالت سیاسی و اجتماعی در دولت دهم، تابعی از عدم فساد و برقراری عدالت سیاسی و اجتماعی از یک سو و همچنین وجود فساد و کم‌رنگ شدن عدالت سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر است؛ به این مفهوم که هرچه میزان فساد در جامعه پایین‌تر باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی در جامعه برقرار می‌شود و در مقابل، هرچه فساد در جامعه بالاتر باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی و ادراک عدالت پایین‌تر خواهد بود. با توجه به وجود فساد در اغلب دولت‌های ایران، سطح ادراک فساد در جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه نقش آفرینی‌های دولت‌ها بسیار بالا است. به نظر می‌رسد که با توجه به افشای فسادها در آینده، روند رو به رشد این پدیده بر کاهش عدالت اجتماعی و به تبع آن، کاهش اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و امنیت روانی تأثیر نامطلوب بگذارد.

**واژه‌های کلیدی:** عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، فساد اقتصادی، محمود احمدی‌نژاد.

استاد به این مقاله: بصیری پور، محمدحسن؛ ابطی، سید مصطفی؛ توحیدفام، محمد (۱۴۰۲). راهبردنگاری در پرتو چرخه عدالت سیاسی - اجتماعی و فساد براساس تجربه دولت دهم. سیاست متعالیه، ۱۱(۴۰): ۱۶۳-۱۸۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.1987041.2005>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸



## ۱. مقدمه

جوامع مختلف تعریف‌های متفاوتی از فساد دارند، این اختلاف از تفاوت در نگرش و اندیشه‌های آنان نشأت می‌گیرد. فساد (شکستن)، مفهومی را در برمی‌گیرد که مراد از آن شکستن یا نقض چیزی است؛ این چیز را می‌توان در رفتار اخلاقی، روش‌های قانونی یا قوانین اداری تبیین نمود. گونار میردال<sup>۱</sup> با تعریفی موسع از فساد، آن را متناظر به تمامی اشکال انحراف یا اعمال قدرت شخصی و بهره‌برداری نامشروع و ناصواب از جایگاه شغلی و موقعیت اجتماعی می‌داند. مطابق تعریف فرهنگ وبستر، فساد همان پاداش نامشروعی است که برای وادار کردن و اجبار شخص به انجام تخلف از حیطة وظایف محوله استفاده می‌شود.

سازمان شفافیت بین‌الملل و بانک جهانی در تعریفی دیگر از فساد، آن را هرگونه سوءاستفاده از مقام و موقعیت دولتی (قدرت عمومی) در جهت به‌دست آوردن سود شخصی (منافع عمومی) تعریف کرده‌اند. این توصیف از فساد امروزه مورد توافق و پذیرش همگانی در دنیا است. بنابراین، می‌توان فساد را فعل یا تصمیمی دانست که شمولیت و برخورداری افراد از دستاوردهای منفی آن، خارج از مقررات و قوانین مدون، بیشتر از اشخاصی باشد که از آن منتعم می‌شوند. همچنین در تعریفی دیگر، فساد را آن شری می‌نامند که بر تمام جوامع مؤثر باشد و با تأثیرگذاری بر اجتماعات شکننده، شدت خفقان آن‌ها را تشدید می‌کند.

به‌طور کلی و متناظر به تعاریف فوق، نسبت موجود در تعریف فساد، به تفاوت‌های نظامات ارزشی و هنجاری جوامع مختلف بازمی‌گردد؛ چنان‌که رفتاری در جامعه‌ای مصداق فساد است، در جامعه دیگر مشمول این تعبیر نیست. هرچند نگاه تاریخی، بر مفروض انگاشتن تعهد اجتماعی بیشتر کارمندان بخش دولتی نسبت به کارمندان بخش خصوصی مبتنی بود، اما تجارب سالیان اخیر حاکی از تغییر این انگاره است؛ چراکه گسترش فساد در بخش دولتی، موضوع قابل توجهی است. همین امر را می‌توان یکی از عوامل رشد خصوصی‌سازی در جهان سوم دانست.

پژوهش‌های فساد نهادهای اداری نشان می‌دهد، در نهادهایی که حجم گردش مالی و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر است، ادراک فساد نیز گسترده‌تر است و در نهادهایی که فعالیت‌های اجتماعی و مدنی بیشتری دارند، ادراک فساد نیز کاهش می‌یابد؛ گرچه صرف فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌تر موجب بروز فساد نخواهد شد، و زمینه‌های ساختاری ظهور آن نیز بایستی مهیاء باشد. لذا، اگر ادراک فساد ناشی از وجود فساد بیشتر باشد، به نظر می‌رسد در ساختار اقتصادی غیرمولد و ناکارآمد، گستردگی حجم وظایف و داشتن قدرت

بوروکراتیک بیشتر، همراه با دسترسی به منابع عظیم اقتصادی در سازمان‌ها و نهادهای اداری، زمینه بروز فساد اداری بیشتری را فراهم خواهد کرد.

با استناد به شواهد می‌توان گفت که پیامدهای فساد، به‌عنوان یک مشکل جدی در ایران، همواره بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. در این ارتباط، سازمان شفافیت بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران را از نظر فساد داخلی در زمره فاسدترین کشورهای جهان قرار می‌دهد. از این‌رو، در پژوهش حاضر فساد گسترده و دامنه‌دار در دولت دهم مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است. از منظر گونه‌شناسی فسادهایی چون فساد نظام اداری، فقدان شایسته‌سالاری، رانتیرسم، فساد مالی، اقتصادی و قراردادهای نفتی، فساد ناشی از عدم حکمرانی خوب، شفافیت، قانون‌گرایی و پاسخ‌گویی، فساد ناشی از تبارگرایی و خویشاوندسالاری و فساد ناشی از تبانی ناظر و منظور در کمرنگ شدن عدالت اجتماعی و سیاسی، قابل شناسایی و صورت‌بندی است. در مجموع می‌توان گفت که فساد در دوران جمهوری اسلامی به‌ویژه در دولت دهم، با ابعاد بی‌سابقه و با صدمه گسترده به اخلاق اجتماعی، موجب افزایش بی‌عدالتی و فقر شد. این فساد به همراه اجحاف و زورگویی اداری و نبود راستگویی، به تباهی منافع عمومی منتهی گردید. مسخ معیارهای حرفه‌ای، پایمالی منافع مردم، نفی لیاقت‌ها، تسلط منافع ایدئولوژیک و دفاع از منافع و امتیازهای گروه‌های اجتماعی و اداری خاص، از ویژگی‌های این فساد است.

با وجود همه پژوهش‌های انجام شده از سوی پژوهشگران مسائل ایران در حوزه فساد و وجود گونه‌های آن در نظام اداری، به‌نظر می‌رسد که جای پژوهشی که درصدد بررسی فساد در بخشی از دولت دهم باشد، به جد خالی است. لذا، پژوهش حاضر ضمن مفهوم‌شناسی فساد، گونه‌های فساد در دولت دهم، مفهوم‌شناسی عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی، رابطه میان فساد و عدالت اجتماعی و سیاسی در دولت دهم را مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «نسبت میان فساد و عدالت سیاسی و اجتماعی در دولت دهم چگونه برقرار می‌شود؟». فرضیه مورد سنجش آن است که «نسبت میان فساد و عدالت سیاسی و اجتماعی در دولت دهم تابعی از عدم فساد و برقراری عدالت سیاسی و اجتماعی از یک‌سو و همچنین وجود فساد و کمرنگ شدن عدالت سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر است. به این مفهوم که هرچه میزان فساد در جامعه پایین‌تر باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی در جامعه برقرارتر است و در مقابل، هرچه فساد در جامعه بالاتر باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی و ادراک عدالت پایین‌تر خواهد بود. لازم به ذکر است که این پژوهش براساس هدف، کاربردی و تحلیل داده‌های آن کیفی است. این تحقیق به‌لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است.

## ۲. چارچوب مفهومی پژوهش

از آنجایی که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی و نیز فساد، دارای بسامد بالایی در پژوهش حاضر هستند، در ادامه این مفاهیم تشریح می‌شوند.

### ۲-۱. عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی

عدالت توزیعی یا اجتماعی مفهومی بود که اولین بار توسط روان‌شناسان اجتماعی مطرح شد. مراد از عدالت توزیعی همان اختصاص دادن (منصفانه) منابع و امکانات در جامعه است، بدین‌گونه که قانون می‌بایست با رسیدن به حد قابل‌توجهی از عدالت حقیقی و به‌رسمیت شناخته شده، دست به توزیع عادلانه و مبتنی بر انصاف منابع موجود بزند، به‌گونه‌ای که شرایط برابر استفاده از فرصت‌ها و امکانات برای همگان را فراهم آورد. جان راولز<sup>۱</sup> متفکر آمریکایی در کتاب «نظریه‌ای در باب عدالت»، عدالت توزیعی را تئوریزه کرده است. تلاش جان راولز مبتنی بر آن بود تا با طرح نظریه‌ای بدیل و بدون مصالحه در مورد رفاه اجتماعی، بر قدرت و توان فایده‌گرایی تفوق یابد. این امر باعث شد تا برای دهه‌های متمادی، بحث پیرامون این موضوع به بر ساخته‌ای تئوریک منتهی گردد. به اذعان وی، هر فردی دارای حقوق نخستین و بنیادینی است که براساس عدالت از آن او شده است و به بهانه رفاه، قابل سلب شدن نیست. برای کاستن از نابرابری اجتماعی، ناگزیر به دخالت دولت هستیم تا اندازه‌ای که اولاً، بنیان اصلی حقوق محدودش نشود و ثانیاً بازدهی اقتصادی، به‌عنوان عنصر ضروری رفاه اجتماعی، با آسیب جدی مواجه نگردد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که جان راولز اهمیت ویژه‌ای برای آزادی‌های فردی و رعایت هرچه بیشتر آن قائل شده است (بشیریه، ۱۳۸۴: ص ۱۱۷).

عدالت سیاسی یعنی تمامی افراد جامعه در عرصه سیاست یا تغییر امور عمومی خود با داشتن حق مشارکت و آزادی‌های برابر، بتوانند بر مبنای استحقاق، وارد مناصب سیاسی گردند، به‌گونه‌ای که توازن اجتماعی در عرصه سیاست، یعنی همه‌چیز در جای خود، برقرار شود. بر همین مبنا عدالت سیاسی حوزه‌های چندگانه‌ای را در بر می‌گیرد: حوزه برابری و حوزه برابری و استحقاق که به‌صورت ترکیبی است.

در حوزه برابری از دو حق کلی سخن گفته می‌شود:

۱) برابری در تعیین حق سرنوشت که شامل حق مشروعیت، حق مقبولیت، حق انتخاب، حق تصمیم‌گیری و مشارکت، حق نظارت، حق ولایت یا ولایت عمومی است.

۲) حق برابری در برابر قوانین است که در این نگاه قوانین هم دو دسته‌اند. عدالت سیاسی در سه سطح مطرح می‌شود. یکی بحث کلان که در سطح کلان فقط به دو معیار اساسی شرع الهی یا شرع اسلام و عقل باید اشاره نمود. معیار اول فطرت‌گرایی یا بازگشت انسان به فطرت خویش یا حرکت در مسیر فطرت است. معیار دوم تحقق وحدت و انسجام مکتب شرعی و اعتقادی، معیار سوم توسعه سیاسی، معیار چهارم توسعه فرهنگی و اجتماعی و معیار پنجم تحقق مکارم اخلاقی در جامعه است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ص ۲۵).

## ۲-۲. رویکرد نظری به فساد

فساد موضوعی چندوجهی، چندسطحی و چندعاملی است. بنابراین، هیچ‌گونه تعریف واحد، فراگیر و جهان‌شمولی از فساد وجود ندارد. برای اولین بار سن توریا<sup>۱</sup> (۱۹۳۱) فساد را این‌گونه تعریف کرد: فساد عبارت است از سوءاستفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی (دوگراف، ۱۳۹۴: ص ۳). آرنولدسن<sup>۲</sup> نیز فساد را سوءاستفاده مأموران دولتی از کالاهای و امکانات دولتی و عمومی برای بهره‌گیری شخصی تعریف کرده است (Amnuldson, 2000: p. 5). از منظر گونه‌شناسی، فساد موجود در سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها به‌ویژه فساد در نظام اداری را می‌توان در گونه‌هایی چون فساد تصادفی و فساد نظام‌مند، فساد سازمان‌یافته و فساد غیرسازمان‌یافته، فساد اداری، فساد رانتی، فساد اداری و فساد در سازمان‌ها شناسایی کرد.

## ۲-۳. شاخص ادراک فساد

شاخص درک فساد<sup>۳</sup> وضعیت فساد کشورها را برحسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاست‌مداران آن رتبه‌بندی می‌کند. این شاخص، که هر ساله منتشر می‌شود، با معیارهای تعیین‌شده سازمان جهانی شفافیت بین‌الملل و دانشگاه پاساو در آلمان محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، این معیار شاخصی است که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را در میان سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد؛ بدین شکل که سازمان شفافیت بین‌الملل با شعب گسترده خود در ۱۸۰ کشور جهان، در گزارش‌های سالیانه خویش به فاکتورهایی چون مدیریت دولتی کشورها، چگونگی دسترسی به خدمات ساختارهای حقوقی و قضایی موجود در جوامع و نیز وضعیت بخش خصوصی این کشورها می‌پردازد. امتیازدهی به فساد در کشورها

1. San Turia

2. Arnoldsen

3. Corruptions Perception Index

براساس این شاخص، صفر تا ۱۰۰ است. کشور نزدیک به امتیاز صفر به شدت فاسد و کشوری که امتیاز ۱۰۰ را کسب کند، بسیار تمیز و شفاف است (مدنی بچستانی، ۱۳۹۵: ص ۲۵).

تصویر انعکاسی در اذهان افراد هر جامعه از وضعیت فساد و تطبیق آن با مصادیق موجود را ادراک فساد تعریف می‌کنند. سازمان مالی، هرگونه سوءاستفاده شخصی از قدرت را فساد می‌نامد که به سبب آن منفعت‌های عمومی به مخاطره بیافتد (Jain, 2005: p. 38). محدود شدن فساد به بخش دولتی (عمومی)، از ویژگی‌های این تعریف است که در برابر تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل قرار می‌گیرد؛ زیرا فساد را به سوءاستفاده از قدرت در جهت منافع شخصی تعریف می‌کند که شامل بخش دولتی و غیردولتی می‌شود؛ با وجود این، تعریف کامل و همه‌جانبه‌ای از فساد ارائه نشده است (لانگست، ۱۳۸۷: ص ۱۲۷).

در ایران نیز با وجود اقدامات فراوان علیه فساد اداری و رشوه‌خواری، همچنان این پدیده به قوت خود باقی بوده و ظاهراً در حال افزایش است (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ص ۵۵). تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که از بین ۷۹ مشکل اجتماعی مختلف، فساد ششمین مشکل در اولویت ایران بوده است (رفیعی، ۱۳۹۴: ص ۹۷). در تحقیق دیگری نیز از بین ۲۸ مشکل اجتماعی، رشوه‌خواری پنجمین مشکل در اولویت ایران بود (معمدی، ۱۳۸۶: ص ۳۲۷). براساس گزارش شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران در میان ۱۷۷ کشور در رده ۱۳۶ قرار دارد (گزارش شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۴م: ص ۲۵).

### ۳. گونه‌شناسی فساد در دولت دهم

از منظر گونه‌شناسی، فسادهایی چون فساد نظام اداری، فساد ناشی از فقدان شایسته‌سالاری، فساد ناشی از رانتیریسیم، فساد مالی، اقتصادی و قراردادهای نفتی، فساد ناشی از عدم حکمرانی خوب با تأکید بر شفافیت، قانون‌گرایی و پاسخگویی، فساد ناشی از تبارگرایی و خویشاوندسالاری و فساد ناشی از تبانی ناظر و منظور در کمرنگ شدن عدالت اجتماعی و سیاسی قابل شناسایی و صورت‌بندی است.

#### ۳-۱. فساد اداری در دولت دهم

فساد اداری نتیجه مبادله، یعنی وجود حداقل دو طرف به‌عنوان عرضه‌کننده و دریافت‌کننده، نقض هنجارها، سوءاستفاده از قدرت و پنهان‌کاری بر مبنای اعتماد طرفین است. در سطحی دیگر، عوامل بروز فساد اداری در دولت دهم را باید ناشی از ویژگی‌های سازمانی نظیر سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، نظام جبران، توسعه پرسنل و عوامل محیطی نظیر شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ضعف نظام نظارتی و عدم کنترل نظام بوروکراسی، تبعیض‌ها، وجود شکاف میان مدیران و کارکنان و گسترش دایره

وظایف مدیران تراز بالا در نهادها دانست.

فساد اداری در دولت دهم حاصل حضور کارگروه دولت دهم یعنی پرویز کاظمی، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی، حمیدرضا بقایی، معاون اجرایی احمدی‌نژاد در دولت دهم و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفتر ریاست‌جمهوری و کمی قبل از آن، نتیجه حضور محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد در دولت نهم بود. کاظمی از متهمان پرونده فساد مالی در بانک سرمایه بوده است. غلامحسین اژه‌ای، سخنگوی وقت قوه قضائیه، در کنفرانس خبری ۲۵ تیر ۱۳۹۶، اتهامات حمید بقایی را تصرف غیرمجاز، اختلاس و تبانی در معامله‌های دولتی اعلام کرده بود. اتهام‌های رحیم‌مشایی به گفته وکیلش، برخلاف اتهام‌های مالی بقایی، تبانی و مشارکت علیه امنیت داخلی و خارجی کشور بود، سبب این اتهامات، آتش زدن حکم قضایی بقایی در مقابل سفارت انگلیس، تبلیغ علیه نظام در صفحات شخصی توئیتر و جاهای دیگر و همچنین توهین به برخی مقامات و قضات دادگستری بود. محمدرضا رحیمی متهم به ارتباط با اختلاس در بیمه ایران بود. در واقع حضور این افراد در کابینه دولت دهم سبب سوءاستفاده آنها از اختیارات عمومی یعنی (سازمانی و دولتی)، جهت کسب منافع شخصی شده بود که در مغایرت با قوانین و مقررات کشور، زیان‌های فراوانی به حوزه سلامت و امنیت عمومی جامعه وارد کرد.

از جمله شعارهای ستاد انتخاباتی محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴ علاوه بر «آوردن نفت بر سر سفره‌های مردم»، مبارزه با فساد اداری و اهتمام به عدالت‌گستری بود که بعد از پیروزی شهردار وقت تهران در رقابت ریاست‌جمهوری، به دستور کار دولت بدل شد. در واقع در سال ۸۴ یا ۲۰۰۵ میلادی، امتیاز ایران در گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل ۲۹ بود که رتبه ایران در آن گزارش به جایگاه ۸۸ رسید. اگرچه این رتبه با بهترین جایگاه ایران در گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۳ میلادی و رتبه ۷۸ فاصله داشت، اما همان جایگاه در دوره ۷ ساله آتی یعنی از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، با ۴۵ پله تنزل، از رتبه ۸۸ به ۱۳۳ سقوط کرد.

### ۳-۲. فساد ناشی از فقدان شایسته‌سالاری در دولت دهم

شایسته‌سالاری یکی از مهم‌ترین اصولی است که به بهبود مدیریت و اصلاح نظام اداری و مدیریتی کشور، به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه می‌انجامد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۲۷). بنابراین، منطق حاکم بر شایسته‌سالاری مبتنی بر کاربست مناسب و بهینه موقعیت‌ها و توانمندی‌ها است که با قرار گرفتن فرد در منصب استحقاقی میسر می‌شود (نصر اصفهانی، ۱۳۹۳: ص ۶۹).



به نظر کین<sup>۱</sup>، شایسته‌سالاری مبتنی بر استطاعت مدیریت بر موقعیت و شرایطی است که گاه محتمل نبوده است. به عقیده پیل سافت<sup>۲</sup>، شایسته‌سالاری داشتن مهارت، توانمندی و دانشی است که به موفقیت شغلی منتهی شود (گیوگی، ۱۳۹۷: ص ۳۲). شایسته‌گرایی جوامع توسعه‌یافته نتیجه تعامل و تعاطی حکومت و جامعه و وجود تکنوکرات‌ها در بخش‌های خصوصی است که براساس تخصص، مسئولیت‌ها را برعهده می‌گیرند. در واقع شایسته‌سالاری روی دیگر کارآمدی و اثربخشی است.



شکل ۱- نمودار شایسته‌گرایی جوامع توسعه یافته

شایسته‌سالاری نه تنها به عنوان شعار اولیه احمدی‌نژاد، که قرار بود نقطه متمایز دولت مورد نظر وی با دولت‌های گذشته باشد، تا جایی که انتظار عموم رأی‌دهندگان به او، انتخاب شایسته‌ترین افراد برای تشکیل دولت بود. اولین گروه ناامید از این انتظار، نخبگان دانشگاهی بودند. این دسته از نخبگان آن‌هایی بودند که در اتاق فکر انتخاب وزرا به کار گرفته شدند و بعد از آنکه نتوانستند انتخاب‌های صورت گرفته را توجیه کنند، خود را با این استدلال که هر رئیس‌جمهوری با تیمی کار خواهد کرد که با آن راحت‌تر است، با پیشه کردن سکوت، کنار نشستند و امیدوار در انتظار ماندند. انتخاب‌های احمدی‌نژاد و دوستان همفکرش بیش از هر چیزی بر دو محور اصلی جوان بودن و میزان نزدیکی به گروه‌های حامی ایشان استوار بود.

### ۳-۳. فساد ناشی از عدم حکمرانی خوب قانون‌گرایی، شفافیت و پاسخ‌گویی در دولت دهم

اگر سه عنصر قانون‌گریزی، فقدان پاسخ‌گویی و پنهان‌کاری را دست‌مایهٔ فساد بدانیم، باید خاطرنشان کرد که شاهد قانون‌گریزی دولت دهم و لایه‌های اولیه آن بوده‌ایم. استدلال دولت دهم در قانون‌گریزی آن بود که باید برای حل مشکلات، موانعی را که به عنوان قانون وجود دارد، از سر راه برداشت. در این ارتباط یکی از جلوه‌های قانون‌گریزی دولت، زمان تقدیم لایحه بودجه به مجلس بود. ماده ۲۱۶ آئین‌نامه داخلی مجلس

1. Kane

2. Soft pill

شورای اسلامی، که همانند نص صریح قانون است و پس از تصویب مجلس به تأیید شورای نگهبان نیز می‌رسد، مقرر می‌دارد که دولت موظف و مکلف است قانون بودجه کل کشور را تا تاریخ ۱۵ آذر هر سال توسط رئیس‌جمهور برای رسیدگی تقدیم هیئت رئیسه مجلس نماید. اما دولت دهم با بی‌توجهی‌های مکرر، قانون بودجه را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد. برای نمونه بی‌توجهی دولت دهم در بدترین شکل آن در سال ۹۰ بود که دولت در پی لجبازی فاحش با مجلس، لایحه را دیرتر تقدیم مجلس کرد و عملاً کل مملکت با شرایط سخت بلا تکلیفی، نداشتن دستورالعمل اقدامات لازم قانونی و هزینه‌های جاری کشور از جمله حقوق کارگران و کارمندان دولت روبرو بود. کارشناسان و نمایندگان مجلس این عمل دولت را قانون‌گریزی عمده و با هدف گل‌آلود کردن فضای مالی کشور برای توزیع ناعادلانه اعتبارات و بهره‌برداری بیشتر از منابع داخلی کشور ارزیابی نمودند.

نمونه دیگر قانون‌گریزی دولت دهم، انحلال سازمان برنامه و بودجه و شورای پول و اعتبار بود که هر یک از این سازمان‌ها به‌گونه متفاوتی ادامه یافتند. در استان‌ها هم عملاً تشکیلاتی وجود نداشت که نظارت کافی بر بودجه و ردیف اعتبارات عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و... داشته باشد و استانداران به هر شکلی که می‌خواستند، هزینه‌های جاری را توزیع می‌کردند. این مشکل، عدم توانایی دولت را در تقدیم لایحه بودجه کل کشور به‌صورت بدخیم نشان می‌داد.

مناقشه دولت و تشکیل وزارت ورزش و جوانان از نمودهای دیگر قانون‌گریزی دولت دهم بود. روند تخلفات قانونی دولت دهم در سال ۹۰ همچنان ادامه یافت. اواخر فروردین ماه ۱۳۹۰ بود که مهلت قانونی دولت برای تشکیل وزارت ورزش و جوانان به پایان رسید و نمایندگان به‌طور گسترده در قالب تذکراتی به رئیس‌جمهور خواهان تشکیل این وزارتخانه شدند. در همین حال دولت نیز می‌گفت که در این باره ابهاماتی وجود دارد و تا زمان برطرف شدن آن، وزارتخانه تشکیل نمی‌شود و رئیس‌جمهور هم پیرامون آن، نامه‌ای به رهبر انقلاب ارسال کرده بود؛ با وجود اصرار دولت در عدم تشکیل وزارت ورزش، در نهایت بعد از کش‌وقوس‌های فراوان، وزیر ورزش به مجلس معرفی شد و رأی اعتماد گرفت.

عدم معرفی وزیر راه و ترابری، نمود دیگری از قانون‌گریزی دولت دهم بوده است. در اوایل اردیبهشت ۱۳۹۰ با پایان یافتن مهلت مقرر معرفی وزیر راه و اختتام سرپرستی نیکزاد، شاهد عدم معرفی وزیر جدید هستیم که به‌سبب ادغام وزارتخانه‌های راه و مسکن، اتفاق افتاده بود؛ به اذعان معاون حقوقی دولت، اخذ مجدد رأی اعتماد برای نیکزاد به‌هنگام عهده‌دار شدن وزارتخانه جدید، ضرورتی نداشت، زیرا وی قبلاً رأی اعتماد گرفته بود.

حاشیه‌های ۱۱ روز خانه‌نشینی احمدی‌نژاد، نمونه دیگری از قانون‌گریزی است که به برکناری حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات مربوط بود. در واقع اصرار به برکناری او به چالش بین دولت، مجلس و دیگر نهادها انجامید. با پذیرفته شدن استعفای وزیر اطلاعات از طرف ریاست‌جمهوری، مقام معظم رهبری با صدور حکم حکومتی، مجدداً وزیر اطلاعات را به کار بازگرداند. این واقعه منجر به ۱۱ روز خانه‌نشینی احمدی‌نژاد شد. همچنین حضور وی در هیئت دولت نیز زمانی اتفاق می‌افتاد که مصلحی در جلسات حاضر نبود. انتقادهای گروه‌های مختلف به تمکین‌ناپذیری دولت از دستورهای رهبر انقلاب مجدداً از سر گرفته شد. همگان با تأکید بر تبعیت از رهبر انقلاب، بر رئیس‌جمهور خرده گرفتند تا سرانجام هیئت دولت با حضور مصلحی و احمدی‌نژاد تشکیل جلسه داد.

گزارش دیوان محاسبات از تخلفات دولت دهم نشان از عدم شفافیت و پنهان‌کاری گردش محاسبات و هزینه‌های عمومی کشور داشت و نقطه عطفی بود که دولت را متهم به انواع تخلفات اقتصادی می‌کرد. سرفصل گزارش دیوان محاسبات به این شرح بود: «مدارک عدم واريز ۱۲/۱ میلیارد دلار از مازاد درآمد نفتی به قوه قضائیه ارسال شده است»، «موجودی حساب ذخیره ارزی در سال ۸۹ کمتر از یک میلیارد دلار است»، «سال ۸۹ حدود ۴۶ درصد از منابع نفتی صرف هزینه‌های جاری شد»، «کسری تراز عملیاتی در سال ۸۹ حدود ۲۰ درصد افزایش یافت»، «سال ۸۸ با ۱۸ درصد کسری بودجه به پایان رسید»، «در سال ۸۹ به میزان سه میلیارد دلار تولید نفت افت کرده است»، «۹/۲ میلیارد دلار از درآمد نفت صرف یارانه‌ها شد که دولت قول داد در سه ماه اول سال ۹۰ تسویه کند، که از نظر دیوان محاسبات تسویه نشده است»، «دولت ۵ هزار میلیارد تومان در قالب تنخواه گردان از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌ها استقراض کرد. این رقم باید تا ۲۸ اسفند تسویه می‌شد که هنوز نشده است»، «دولت ۹۸ هزار میلیارد ریال از محل نفت خام و صادرات، علی‌الحساب دریافتی از نفت و نیرو و بودجه عمومی برای هدف‌مندی یارانه‌ها برداشت کرده است»، «در سال ۹۰ افت تولید نفت یک درصد افزایش یافته است»، «طبق برنامه بودجه سال گذشته، ۴/۳ میلیارد دلار مانده حساب ذخیره ارزی بود که باید به طرح‌های غیردولتی داده می‌شد که ۹/۱ میلیارد ریال اختصاص یافته است». بدین ترتیب لیست بلند بالایی به تخلفات دولت اضافه شد.

تخلفات هدف‌مندی یارانه‌ها نمونه دیگری از پنهان‌کاری و عدم شفافیت دولت دهم بود. علاوه بر گزارش دیوان محاسبات از تخلفات یارانه‌ای دولت، مجلس نیز لیست طولی از آن ارائه کرد. طبق گزارش کمیسیون انرژی مجلس، أخذ ۵۰۰۰۰۰ میلیارد ریال تنخواه در سال ۱۳۸۹ از بانک مرکزی، گرفتن ۳۰۰۰۰۰ میلیارد ریال از سال ۱۳۸۹ از محل فروش نفت خام صادراتی در کنار دریافت ۴۳۰۰۰۰ میلیارد ریال از محل بودجه

عمومی طی سال‌های ۸۹ و ۹۰ جهت پرداخت یارانه برق و یارانه نقدی خانوارها و همچنین عدم پرداخت سهم ۲۰ و ۳۰ درصدی بخش‌های تولید و نیز شرکت‌های دولتی ارائه کالا و خدمات، از جمله تخلفات این دوره دولت بودند.

مبتهی بر گزارش فوق، وجه تنخواه دریافتی، بیشتر از حد مقرر قانونی و برخلاف ماده ۱۳ قانون هدف‌مندسازی یارانه‌ها و تعهدات وزیر اقتصاد بود که با شروع اجرایی شدن قانون و منابع حاصله، نه تنها تا پایان سال ۸۹ مستهلک نگردید، بلکه تا سال ۹۰ نیز تداوم یافت که بنا به نظر خزانه، ماهیت تنخواه نداشت و به‌عنوان استقراض حتی مغایر با بند ب ماده ۲ برنامه چهارم بود که با پیگیری‌های لازم، ۱۲۰۰۰ میلیارد آن ماحصل افزایش قیمت‌ها مسترد شد. همچنین دولت موظف به هزینه‌کرد مابه‌التفاوت بهای تکلیفی و آزاد برق از قبل یارانه برق برای سوخت نیروگاه‌ها بود که این وجوه در شمار یارانه‌های پرداختی به خانواده‌ها هزینه شده بود.

همچنین، طبق ماده ۸ قانون هدف‌مندسازی یارانه‌ها، دولت در سال ۸۹ موظف به تخصیص ۳۰ درصد از منابع مکتسب از این قانون در بخش تولید بود که باید در مواردی چون کمک‌های بلاعوض و یا وجوه تسهیلاتی اختصاص می‌یافت که مورد اعتنای دولت قرار نگرفت.

علاوه بر این، گزارش مذکور نشان می‌دهد که الزام دولت به پرداخت ۴۳۷۹۰ میلیارد ریال از قبل ۲۰ درصد از درآمد حاصل از هشتمین مرحله پرداخت یارانه‌های نقدی به خانوارها که در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ مشخص گردیده بود، تا تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۹۰ تحقق پیدا نکرد، این استتکاف دولت، عدد بدهی آن به بخش تولید و الزام به سرمایه‌گذاری را به ۷۸۲۹۰ میلیارد ریال رساند.

تخلفات بودجه‌ای دولت دهم در سال ۹۰ مهم‌ترین نمود عدم پاسخ‌گویی او به نمایندگان مجلس و ملت بود. در سال ۹۰ همچون سالیان پیشین، لایحه بودجه دیرتر از موعد مقرر تقدیم مجلس شد؛ تنظیم بودجه سال ۹۱ با قیمت‌های غیرواقعی و بالای نفت، گمانه‌زنی‌های وقوع تخلفات و ناکارآمدی و نیز نواقص بودجه پیشنهادی را نزد اقتصاددانان مجلس هشتم هرچه بیشتر برجسته کرد.

با وجود این، احمدی‌نژاد با قرار دادن لایحه بودجه در بسته‌ای شفاف، بدون اشاره به تأخیر حدوداً دو ماهه از ارائه بودجه، خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن را بودجه‌ای شفاف توصیف نمود. هرچند اعتراض نمایندگان به بودجه تقدیمی زیاد نیست، اما دربردارنده نقاط قابل توجهی است؛ از جمله در لایحه بودجه به هدف‌مندسازی یارانه‌ها و مسائل اقتصادی، به‌عنوان مسئله روز، نپرداخته بود؛ همچنین قیمت نفت و دلار غیرواقعی و بالاتر از میزان حقیقی بود؛ علی‌رغم تأکید وزیر نفت، بودجه تقدیمی تا حدود ۸۰ درصد و

بیش از سایر لوایح بودجه پیشین، متکی بر نفت بود؛ برخی درآمدهای تأکیدی در بودجه قابلیت تحقق نداشتند و بعضی از احکام بودجه نیز در تناقض با اصل ۴۴ قانون اساسی بود؛ علاوه بر اینکه مجلس وقت کافی جهت بررسی دقیق بودجه ارائه شده را در اختیار نداشت، بودجه‌ای که به‌رغم شفاف خواندن مقام ارائه‌کننده، سرشار از ابهام و کلی‌گویی‌های خارج از چارچوب رایج بودجه‌بندی بود؛ بدین ترتیب مسئله بودجه تا سال ۹۱ نیز تداوم یافت و زنجیره تخلفات پیاپی دولت استمرار داشت.

در اثنای همین مناقشات خبر مفقودی ۴ میلیارد دلار درآمد نفتی منتشر شد، اما گزارش دیوان محاسبات درباره عدم واریز درآمد مازاد نفتی به صندوق ذخیره ارزی، پایان ماجرای تخلفات دولت در سال ۹۰ نبود. پس از تخلف ۱/۱ میلیاردی و گزارش دیوان محاسبات درباره عدم واریز مازاد درآمد نفتی به خزانه، این‌بار گزارش کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در اسفند ماه، از عدم اجرای یک جزء از بودجه سال ۹۰ مبنی بر عدم واریز درآمدهای نفتی به مبلغ ۴ میلیارد دلار حکایت داشت. براساس این گزارش و قانون بودجه، پس از کسر سهم نفت، صندوق توسعه ملی، دولت و مناطق محروم و نفت‌خیز بر مبنای قانون بودجه سال ۹۰ کل کشور و احتساب عدم وصول حدود دو میلیارد دلار از ارزش نفت صادراتی تا پایان شهریورماه، باید حدود ۴/۶ میلیارد دلار به‌عنوان مازاد بابت بند «۲» قانون بودجه به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شد، اما با اعلام خزانه‌داری کل کشور، تا شهریور ۹۰ تنها حدود ۴/۲ میلیارد دلار از مازاد درآمد نفتی به حساب خزانه واریز و حدود چهار میلیارد دلار در این میان ناپدید شده بود.

### ۳-۴. فساد ناشی از تبانی ناظر و منظور در دولت دهم

تبانی فساد ناظر و منظور یعنی عناصر فساد به‌واسطه تبانی با نهادهای ناظر دست به فساد می‌زنند. در دولت دهم این گروه از فساد بیشتر در سازمان‌ها رخ داد که مراد از آن همان فساد اداری است. در این ارتباط، برداشت ۱۶ میلیارد تومان از حساب دولت توسط احمدی‌نژاد و واریز آن به حساب مشترک احمدی‌نژاد- بقایی، رشوه‌های ۳۰ تا ۹۰ میلیونی رحیمی، معاون اول رئیس‌جمهور به نمایندگان مجلس هشتم و تلف نمودن ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه ملی، رانت‌خواری ۶۵۰ میلیون یورویی شرکت سپید استوار آسیا از بانک مرکزی ایران و سرانجام رشوه‌گیری و اختلاس اکبر اتباعی طبری معروف به اکبر طبری، مدیرکل سابق امور مالی و معاون اجرایی سابق قوه قضائیه در دوران ریاست هاشمی شاهرودی و آملی لاریجانی بر قوه قضائیه، همگی نمونه‌های درخور راستی‌آزمایی از فساد ناشی از تبانی ناظر و منظور هستند که قوه قضائیه به‌جای نظارت با نقش ناظر، انفعال را بر ایجاد فساد ترجیح داد (فرهادیان، ۱۴۰۰: ص ۱).

افزون بر این، ناگفته‌هایی از ماجرای پخش فیلم احمدی‌نژاد علیه برادران لاریجانی در مجلس، به‌هنگام

استیضاح شیخ‌الاسلامی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، نمونه دیگری از فساد ناشی از تبانی ناظر و منظور بوده است. در این روز، احمدی‌نژاد به جای دفاع از وزیر و علی‌رغم هشدار نمایندگان، اقدام به پخش یک فیلم نمود. فیلم حاوی ضبط مخفیانه گفتگوی مرتضوی، رئیس سازمان تأمین اجتماعی و برادر لاریجانی‌های دو قوه بود. علی لاریجانی، رئیس وقت مجلس، در این باره فقط اظهار کرد، اینکه رئیس‌جمهور یک کشور برنامه‌ریزی کند که با حاشیه‌سازی علیه رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه بتواند به رفتارهای غیرقانونی خود ادامه دهد، درخور نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و باید این نوع رفتارها درس عبرتی برای تندروها باشد تا به یاد داشته باشند، اقدامات مافیائی، آغازی بر افت محبوبیت آنها می‌شود.

#### ۴. نسبت‌سنجی فساد در دولت دهم با برقراری عدالت سیاسی - اجتماعی

با توجه به وجود گونه‌های متعدد فساد در دولت دهم، سطح ادراک فساد در طول سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ در جامعه بالا بوده است. فساد دولت دهم از بدنه بخش دولتی به سازمان‌ها و نهادها نفوذ کرده بود. یافته‌ها بیانگر آن هستند که در دولت دهم در نهادها و سازمان‌هایی که حجم گردش مالی و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر بوده است، به همان میزان ادراک فساد نیز بیشتر و در نهادهایی که فعالیت‌های اجتماعی و مدنی بیشتر بود، میزان احساس ادراک فساد نیز کمتر بوده است. واقعیت آن است که اگر ادراک فساد را ناشی از حجم فساد بیشتر در دولت دهم بدانیم، ساختارهای اقتصادی غیرمولد و ناکارآمد، حجم وظایف و در اختیار داشتن قدرت بوروکراتیک، زمینه فسادهای متعدد در دولت دهم را افزایش داده است (رفیعی، ۱۳۹۴: ص ۱۴۳).

فسادهای دولت دهم به عدم عدالت توزیعی و اجتماعی یعنی توزیع ناعادلانه اقتصاد و نابرابری در فرصت‌ها منتهی شد. این وضعیت به شکاف بیشتر فقیر و غنی در دولت دهم انجامید. در بُعد عدالت سیاسی نیز انواع فساد دولت دهم، شایسته‌سالاری و توزیع مناصب را شکننده و در وضعیت ضعیفی قرار داده بود (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ص ۱۴۳). فساد دولت دهم در نسبت با برقراری عدالت اجتماعی، رویه‌ای و مراد‌های نیز بوده است. در این ارتباط، عدالت توزیعی در ادامه نظریهٔ برابری، به ادراک کارکنان از منصفانه بودن توزیع نتایج اشاره دارد. در عدالت رویه‌ای تأکید بر آن است که افراد فقط به ستادهای خود واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه نسبت به رویه‌های کسب ستادهایشان نیز واکنش نشان می‌دهند. عدالت مراد‌های بر چگونگی رفتار سازمان با افراد از حیث رعایت صداقت و تکریم اشاره دارد؛ عدالت اطلاعاتی به تبیین رفتار کنشگران انتقال‌دهنده اطلاعات اشاره دارد و بیشتر بر بیان رفتارهای افراد تصمیم‌گیرنده متمرکز است.

نکتهٔ دیگر آنکه افراد با توجه به نیازهای ابزاری، شخصی و اخلاقی خود به سوی عدالت سازمانی

برانگیخته می‌شوند. بنابراین، در صورت ادراک بی‌عدالتی در سازمان، روند ارضای این سه نیاز صدمه می‌بیند، در این صورت، اگر سازمان به جبران آن‌ها نپردازد، کارکنان خود اقدام خواهند کرد. در واقع ادراک بی‌عدالتی، به‌مثابه عامل روان‌شناختی، در سازمان‌ها و عدم جبران آن، سبب احراز فساد کارکنان خواهد شد (طاهری عطار، ۱۳۹۴: ص ۵۷).

در مقوله عدالت توزیعی، چنانچه توانمندی‌هایی مانند تجارب، مهارت و تحصیلات افراد مورد سنجه سازمانی قرار می‌گرفت، فرد با برخورداری از احساس برابری و ادراک عدالت توزیعی، در مقابل فساد می‌ایستاد و به تلاش بیشتر خود ادامه می‌داد (میرخلیلی، ۱۳۹۴: ص ۷۸). در دولت دهم، با افزایش درک عدالت رویه‌ای کارکنان، با دید مثبت به بالادستان می‌نگریستند، ولی از آنجایی که دولت دهم به انواع فساد آلوده بود، عدالت رویه‌ای نیز با نقض فاحش مواجه گردید (سیدجوادین، ۱۳۹۴: ص ۹۵). در این دولت، سرپرستان، عدالت مراده‌ای یا تعاملی را به زیردستان انتقال دادند. این نوع عدالت در ارتباط با جنبه‌های فرآیند ارتباطات مانند ادب، صداقت و احترام بود. یافته‌ها نشان می‌دهند که عدالت مراده‌ای در دولت دهم در پاره‌ای موارد مثبت و در پاره‌ای موارد منفی بوده است (فتحی، ۱۳۹۴: ص ۳۸).

## ۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی فساد، نشانگان و مصادیق کلی فساد و نیز رابطه میان فساد و عدالت اجتماعی و سیاسی در دولت دهم مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها منتج به آن شد که نسبت میان فساد و عدالت سیاسی و اجتماعی در دولت دهم تابعی از عدم فساد و برقراری عدالت سیاسی و اجتماعی از یک‌سو و همچنین وجود فساد و کم‌رنگ شدن عدالت سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر است. هرچه فساد در جامعه پایین باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی در جامعه در سطح بالایی قرار دارد و در مقابل هرچه فساد در جامعه بالا باشد، عدالت اجتماعی و سیاسی و احساس و ادراک عدالت پایین خواهد بود.

در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جامع و مانع باید گفت که با توجه به وجود فساد در اغلب دولت‌های ایران، سطح ادراک فساد در جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه نقش‌آفرینی‌های دولت‌ها بسیار بالا است. به نظر می‌رسد که با توجه به افشای فسادها در آینده، روند رو به رشد این پدیده بر کاهش عدالت اجتماعی و به تبع آن، کاهش اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و امنیت روانی تأثیر نامطلوب بگذارد. باید در نظر داشت که صرف فعالیت‌های اقتصادی گسترده موجب بروز فساد و تضعیف عدالت اجتماعی (توزیعی) و سیاسی نخواهد شد، بلکه باید زمینه‌های ساختاری بروز فساد نیز مهیاء باشد. بر این اساس اگر ادراک فساد بیشتر را

ناشی از وجود فساد بیشتر بدانیم، به نظر می‌رسد وقتی ساختار اقتصادی غیرمولد و ناکارآمد باشد، گسترده‌ترین حجم وظایف و در اختیار داشتن قدرت بوروکراتیک بیشتر و نیز دسترسی به منابع اقتصادی در سازمان‌ها و نهادهای اداری، زمینه‌های ظهور انواع فساد فراهم می‌شود.

راهکارها و پیشنهادهای ذیل را می‌توان برای کاهش فساد و برقراری عدالت اجتماعی (توزیعی) و عدالت سیاسی به کار بست:

۱. استفاده دولت‌ها از تمامی ابزارها و راه‌حل‌های ارائه شده در خصوص مبارزه با فساد اداری و بوروکراتیک در حیطه حاکمیت داخلی؛ التزام به قانون و کاربست آن، مهم‌ترین ابزاری است که دولت‌ها برای کاستن و از بین بردن فساد باید از آن استفاده نمایند، لذا، تدوین قوانین و مقرراتی که واجد دو وجه پیشگیرانه و جرم‌انگارانه باشد، ضروری است، لازم به ذکر است که مهم‌ترین ضمانت اجرایی قوانین، اجرای صحیح و بدون ملاحظه نسبت به مناسبت‌های سیاسی است تا به ایجاد بازدارندگی و کاهش فساد در نظام اداری و سیاسی کشور منتهی شود.

۲. کاهش و برجیده شدن فساد میسر نخواهد شد تا زمانی که فرهنگ عمومی و فرهنگ سازمانی کشور تغییر نکند؛ لذا برای تحقق این مقوله تدوین برنامه‌هایی جامع و دربردارنده تغییرات رفتاری مبتنی بر تغییرات فرهنگی ضروری است، این برنامه‌ها به جای تأکید بر وجه تنبیهی پس از وقوع فساد، باید حاوی وجه سلبی و پیشگیرانه از رخداد فساد و در جهت مبارزه با فساد باشد.

۳. اهمیت جامعه و نقش شهروندان در مبارزه با فساد را نمی‌توان از نظر دور داشت؛ میرهن است که هرچه فاصله میان حاکمیت و مردم بیشتر شود و اعتماد عمومی نسبت به دستگاه حاکمه کاهش یابد و شهروندان از حلقه نهادهای واصل در امر مبارزه با فساد بیرون گذاشته شوند، نمی‌توان انتظار داشت که فساد کاهش یابد و با وجود انسان‌های شریف در رأس حاکمیت و نهادهای مبارزه با فساد، توفیقی در ریشه‌کنی آن حاصل نمی‌شود؛ این مسئله مهم، ضرورت توجه و کسب اعتماد شهروندان در حکمرانی را برجسته‌تر می‌نماید.

۴. لزوم مواجهه منطقی، نظام‌مند و بسیط در استفاده از راهکارهای عملیاتی و متناسب با ضرورت‌های سازمانی در کاهش فساد اداری و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای حاکمیتی و اداری از جمله ضرورت‌های پیش‌رو است.

۵. انتظار عموم مردم از دستگاه حاکمیت و سیاست‌گذاران آن، اهتمام جدی به مقوله مبارزه با فساد و دوری از هرگونه سیاسی‌کاری و برخوردهای سلیقه‌ای و بعضاً تبلیغاتی در این عزم ملی شکل‌گرفته در ریشه‌کنی فساد است.



## منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری*. تهران: نشر نی.
- حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۴). ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، (۱)۷.
- دوگراف، خیالت (۱۳۹۴). *چشم‌اندازهای نظری فساد*. ترجمه. هانیه هژبرالساداتی. تهران: انتشارات آگاه.
- رفیعی، حسن (۱۳۹۴). ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، (۱)۷.
- سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۹۴). فساد سازمانی در دولت دهم و عدالت رویه‌ای. *اندیشه مدیریت راهبردی*، (۱)۴.
- طاهری عطار، غزاله (۱۳۹۴). شناخت نحوه تأثیرگذاری فساد بر ابعاد عدالت سازمانی بر جنبه‌های گوناگون رضایت شغلی و سازمانی. *مدیریت بازرگانی*، شماره ۱.
- عباس‌زادگان، سید محمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فتحی، صمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین فساد و رعایت عدالت مرادده‌ای و رضایت شغلی کارکنان در دولت دهم. *مدیریت نظامی*، شماره ۴۶.
- فرهادیان، سروش (۱۴۰۰). *فهرست فسادهای مالی در جمهوری اسلامی*. تهران: خبرگزاری مهر.
- گزارش شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۳). *فساد اداری در ایران*.
- گیوگی، ابراهیم (۱۳۹۷). طراحی مدل شایسته‌سالاری در نظام آموزش عالی با توجه به نقش میانجی رهبری خدمت‌گزار. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، (۱)۴۰.
- لانگست، پیتر (۱۳۸۷). *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*. ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ‌نظر. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- مدنی بچستانی، سید محمود (۱۳۹۵). *شاخص درک یا احساس فساد*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معتمدی، سیدهادی (۱۳۸۶). اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران. *رفاه اجتماعی*، (۲۴)۶: ص ۳۲۷-۳۴۷.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۴). فساد سازمانی در دولت دهم و عدالت توزیعی. *نامه مقید*، (۳)۸.
- نصراصفهانی، علی (۱۳۹۳). *شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه*. معرفت سیاسی، (۴)۲.
- نوروزی، داود و همکاران (۱۳۹۳). *دستیابی به نظام شایسته‌سالار با بهره‌گیری از مدیریت استعداد*. کنفرانس بین‌المللی مدیریت در قرن ۲۱.
- Annuldsen, L. (2000). *Corruption: Definitions and Concepts*. Chr. Michelseninstitute Development Studies and Human Rights.
- Jain, A.K (2005). *The Political Economy of Cruption*. Routledge Press.